

عشق سالهای دور

سی و دو داستان کوتاه

حسین مخمل باف

جلد اول

- سرشناسه
عنوان و نام پدید آور
مشخصات ناشر
مشخصات ظاهری
شابک
- مخمل باف، حسین، ۱۳۲۰ :
عشق سالهای دور: سی در داستان کوتاه / حسین مخمل باف
مشهد: انتشارات ترانه، ۱۳۹۶
ج. ۰
شابک دوره : ۷۸-۶۰۰-۷۰۶۱-۶۰-۲ :
شابک جلد ۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۱-۶۱-۹ :
شابک جلد ۲ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۶۱-۶۲-۶ :
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : داستان های کوتاه فارسی - قرن ۱۴
موضوع : Short stories, Persian--20th century:
رده بندی کنگره : ۱۳۹۶ ع ۵ خ ۸ / ۸۳۶۱ / PIR
رده بندی دیویی : ۸۳۶۲ ف ۸
شماره کتابشناسی ملی : ۴۹۹۳۴۲۵



عشق سائهای دور (جلد اول)
(سی و دو داستان کوتاه)

نوشته: حسین مخمل باف
طراحی جلد و متن: هاشم جوادزاده (براساس کاور انتشارات)
عکس پرتره: سیروس مرادی (دو عکس روی جلد از منابع قدیمی و متاسفانه بدون نام عکاس بودند)
عکس های داخل متن: هاشم جوادزاده

مشخصات نشر: چاپ اول، ۱۳۹۷، شمارگان: هزار دوره دو جلدی، لیتوگرافی و چاپ: ایران زمین
ناشر: انتشارات ترانه، مشهد، میدان سعدی، پاساژ مهتاب، تلفن: ۳۲۲۸۳۱۱۰
شابک جلد اول: ۹-۶۱-۶۰۱-۷۰۶۱-۶۰۰-۹۷۸
شابک دوره: ۲-۶۰-۶۰۱-۷۰۶۱-۶۰۰-۹۷۸

بهای دوره جلد شو میز: ۶۵۰۰۰ تومان؛ بهای دوره جلد گالینگور: ۸۵۰۰۰ تومان
حق استفاده قانونی در انحصار نویسنده است و استفاده بدون مجوز کتبی پیگرد قانونی دارد.

فهرست :

۸	مقصد عشق (منظوم)
۱۱	قصه غصه های عشق
۴۱	آن دو چشم سیاه
۵۵	آی پول، آی پول، به شتایید!
۶۹	آمیرزا ممقلی و حوری بهشتی
۷۷	همسفر
۸۵	حاجی امین و دلاله محبت
۹۳	حاجی امین، عشق پیری و خانه جدید
۱۰۱	نتیجه انشا، روده گوسپند و آلمانی سخت کوش
۱۱۵	نوروز

۱۲۵	گاو نه من شیر
۱۳۳	محلل
۱۴۳	بهار و عشق
۱۵۱	طلعت و مشکل گشا
۱۹۹	ابوالحسن و آقاجانش
۲۰۹	شوهر کردن که بد نیست
۲۲۱	آقاجان، دائی جان و مرلین مونرو
۲۲۹	شیر پیر
۲۴۱	دیروز، امروز، فردا (منظوم)
۲۴۵	دختر شیرازی
۲۸۱	علی بلنده و دنده ماشین
۲۸۹	خر عباسعلی و عمه جان سپید بخت
۳۰۹	ماه منیر
۳۲۷	فتیله ستاره
۳۴۹	کودک کنجکاو

مقصد عشق

آندرین آستان و رفتن هر سیزه و گل
 جنبش دانه به آت و نواى بلبل
 رخت سبزی که به تن کرده کنون تازه بهار
 گرنکو بنگری اش هست ز الطاف نگار
 این همه غلغله کافتاده بر این کوه و مکان
 وین تن خاکی و آن دُر که شده مش جان
 حرکت و جنبش و چرخش که بُود سر زینات
 کس نداند که چه در پیش بُود بعد مَی جان
 شک ندارم هدفی هست در آن مقصد دور
 حیف، این برق و جلا چشم بشر ساخته کور
 راه آذین شده را مقصد خود می دانیم
 زین سبب در ره خود خسته و سرگردانیم
 گر بهشت آخر این راه و جهنم باشد
 مقصد عشق همه ناقص و مبهم باشد
 شادی و شور و خور و خواب برای بشر است
 دوستی، مهر و وفا توشه ی راه سفر است
 گر گذر کردی از این باغ و سلامت ماندی
 و ر که ارباب به خوشسراهِه ی نیکی راندى

گر دله دیند بشود پاک زهر حرف چَرَنَد
 گیری از هر خبیثد به نیکی ها پَنَد
 گر خرافات کشی درر کنی از دلِ خسویش
 گر رَه راست کسه گفتند بگیری در پیش
 گر که توسن بدوانی به ره مدمت خلق
 نیست اگر اطلس و دیبا، چه غم از پیمه ی دلِ ق
 گر که کبر و حسد و شهوت ازت لیرفت
 عشق گر ساکن دل گشته و نفرت بگرخت
 گر که جان دگری بساشد و عمری در پیر
 در دل زنده به عشقت نَسَدَهِی رَه، تشریر
 مژده ای می دَهَمَت، هَر دو جهانَت نیکو سَر
 این سخن نیست زمن، وعده ای از جانب اوست
 حرف آخر بزنم تا که تو سَر مست شوی
 بی خرد مژده ای، با آن تو همه هست شوی
 گر چراغ ره خود ساخته ای با خَرَدَت
 این خَرَد سوی بهشتی که تو خواهی بَرَدَت